

تأثیر تفکر انتقادی و بافت موقعیتی در ادراک گفتمان با نقش تعدیل کنندگی

خصوصیات شخصیت

مهديه رحمانیان¹، * مریم زمانی²، ناهید نوریان³، سعید کریم نژاد نیاروق⁴

1. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

2. کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

3. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

4. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی - مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی

(تاریخ وصول: 94/02/20 - تاریخ پذیرش: 94/05/21)

The Impact of Critical Thinking and Situational Context on Conversation Perception with Regard to the Moderator Role of Personality Characteristics

* Mahdye Rahmaniyan¹, Maryam Zamani², Nahid Noryan¹, Saeed Karim Nejad Nyaragh,

1. Assistant of professor in Psychology, Payame Noor University

2. M.A. in Psychology, Payame Noor University

1. M.A. in Psychology, Branch Olom Tahghigat, Islamic Azad University,

2. M.A. in Clinical Psychology - Assistant of Elmi Karbordi University

(Received: Jul. 20, 2015 - Accepted: Sep. 20, 2015)

Abstract

Introduction: People's perception about the world they live in is one of the abilities that can influence their decisions or actions in different situations. The main aim of the present study was to investigate the factors that could affect people's perception. **Method:** To do so, 64 students of Payame Noor University were selected using random sampling method. After answering the Personality and Critical Thinking Questionnaires, the subjects watched a film which included a fixed dialogue performed in 4 different situations for 5 minutes. Then, based on the film, they responded to a questionnaire. **Results:** The findings showed that there is no significant relationship between personality traits and critical thinking. However, there were significant relationships between some personality traits and situation elements. In addition, three cognitive abilities including inductive thinking, evaluation and deduction were associated with the location shown in the film. Finally, the results indicated the significant correlation between thinking with location and people's perception. **Conclusion:** This research showed that thinking is essential for perception. In addition, through transferring its elements as information units as well as interfering in the type of employed cognitive ability, situational context affects people's type of conception.

Keywords: Critical Thinking; Situational Context; Perception; Personality Traits.

چکیده

مقدمه: ادراک افراد از جهانی که در آن به سر می‌برند یکی از توانایی‌های انسان است که بر زندگی بشر اعم از تصمیم‌گیری یا عمل متناسب با موقعیت فرد تأثیر دارد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عواملی است که می‌تواند در ادراک افراد نقش داشته باشد. روش: به این منظور تعداد 64 نفر از دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب که در سال تحصیلی 94 - 93 مشغول به تحصیل بودند به‌طور تصادفی انتخاب شدند. آن‌ها بعد از پاسخ به پرسشنامه شخصیت پنج‌عاملی نئو و تفکر انتقادی کالیفرنیا، فیلمی را به مدت 5 دقیقه تماشا کردند که شامل یک دیالوگ ثابت می‌شد که در 4 بافت مختلف اجرا شده بود. سپس بر اساس آن به پرسشنامه‌های در خصوص فیلم پاسخ دادند. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که میان خصیصه‌های شخصیتی و تفکر انتقادی رابطه معناداری وجود ندارد. با این وجود سه توانایی شناختی تفکر استقرایی، ارزیابی و استنتاج با مکان نمایش داده شده در فیلم همبستگی داشت. در نهایت نتایج نشان دهنده همبستگی بین تفکر با مکان و ادراک افراد بود. نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده نشان داد که تفکر برای ادراک امری ضروری تلقی می‌شود. بافت موقعیت نیز با انتقال عناصر خود به‌عنوان واحدهای اطلاعاتی برای ادراک و با دخالت در نوع توانایی شناختی به کار گرفته شده بر نوع ادراک افراد تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: تفکر انتقادی، بافت موقعیتی، ادراک، خصوصیات شخصیتی.

مقدمه

مفاهیم مورد نظر خود دارد. در علم نشانه‌شناسی بافت برای تولید معنا اهمیت می‌یابد و معناشناسی شناختی بیشتر بر شناخت و تفکر و عملکرد ذهن تکیه دارد؛ اما این نکته که کدام یک تأثیر بیشتری در تولید معنا دارد به نقشی که هر یک در معناسازی ایفا می‌کند، باز می‌گردد. در تعریف بافت می‌توان گفت، اصطلاح بافت معمولاً به معنای آنچه پیرامون چیزی است، به کار می‌رود و به محیط اطراف، یعنی زمان و مکان در برگیرنده متن اطلاق می‌شود. خواه این متن گفتگو باشد و خواه یک نوشته (ساسانی، 1389).

در واقع این بافت است که زبان را در بر می‌گیرد و زبان موقعی به‌طور کامل می‌تواند معنا تولید کند که بخشی از یک رویداد اجتماعی وسیع‌تر باشد؛ به عبارت دیگر زبان در لحظه خلق خود با توجه به نمادهایی که در اختیار دارد، همزمان هم برای تولید معنا به بافت نیاز دارد و هم بافت را ایجاد می‌کند. در نگاهی دقیق‌تر به بافت ممکن است سه نوع بافت قابل شناسایی باشد؛ بافت درون متنی، بافت موقعیتی² و بافت فرهنگی³ (رحیمی و شاه بالا، 1389)

بافت درون متنی بیشتر بر عناصر نحوی و کلامی که در چهارچوب متن قرار گرفته‌اند می‌پردازد و جملات را با توجه به جملات پیشین و پسین و تأثیری که بر شکل‌گیری و تولید معنا دارد مورد بررسی قرار می‌دهد. بافت موقعیتی به هر آنچه پیرامون متن و بافت کلامی آن قرار دارد گفته

این نکته که تفکر مقدم بر زبان است یا زبان مقدم بر تفکر سؤالی است که سال‌هاست در عرصه روان‌شناسی مطرح شده و روان‌شناسان بی‌شماری با دیدگاه‌های مختلف نظرات متفاوتی در رابطه با آن ارائه کرده‌اند؛ اما زبان از آن جهت اهمیت دارد که نقش مهمی در ارتباطات اجتماعی بر عهده دارد. در واقع زبان ابزاری نمادین است که ارتباط میان انسان‌ها را ممکن و به جهان اطراف معنا می‌بخشد. بی‌شک نقش زبان در ارتباطات اجتماعی مهم‌ترین نقشی است که می‌توان برای زبان متصور شد؛ اما نکته‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که زبان از چه طریق و با چه سازوکاری به تولید معنا می‌پردازد. در واقع می‌توان گفت معنا موقعی ایجاد می‌شود که یک علامت در بافت خارج رخ می‌دهد (رحیمی و شاه بالا، 1389). در علم نشانه‌شناسی، معناشناسی به‌عنوان علم چگونگی ارتباط بین زبان و تجربیات جهان خارج تعریف شده که در نتیجه آن بررسی معنی در بافت اهمیت فراوانی پیدا می‌کند (ساغروانیان، 1369). از سوی دیگر معناشناسی شناختی، معنا را گستره‌ای از دانش می‌داند که به بررسی ارتباط میان تجربه، ساختار مفهومی و ساختار معنایی که به‌وسیله زبان کدگذاری شده می‌پردازد. در واقع معنا شناسان شناختی زبان را به‌عنوان دریچه به تفکر که از طریق آن می‌توانند به پدیده‌های شناختی دست یابند به کار می‌برند (ایونز¹، 2007).

نکته‌ای که در تعاریف فوق جالب توجه به نظر می‌رسد تأکید است که هر یک از دیدگاه‌ها بر

2. Context of situation

3. Context of culture

1. Evans

به كار مي‌روند (كولر³، 2012)؛ اما بايد به اين نکته نيز توجه داشت كه اين مجموعه نشانه‌ها به‌طور همزمان در سطوح مختلفي از بافت حضور دارند و توليد معنا مي‌كنند هرچند كه گاه يكي از عناصر بر ديگران غلبه کرده و برخي به‌طوركلي حذف مي‌گردند. با اين حال علم معنا شناسي نيز بر اين باور است كه بافت موقعيت تنها عاملی نیست كه مي‌تواند در شكل‌گيري معنای يك متن دخيل باشد. در وجه ديگر توليد معنا بايد مخاطبان را نيز مورد توجه قرار داد. قانونی كه وان دايك از آن تحت عنوان «نسبيت زمينه⁴» نام مي‌برد و به اين معنی است كه واقعيت هر چيز فردي است و از يك فرد به فرد ديگر متغير است (گرادينر⁵، 2013)؛ به عبارت ديگر بافت چيزی خارج از ساختار ذهني افراد نیست و تفسير افراد از موقعيت‌های اجتماعي در حال وقوع از فردي به فرد ديگر متغير است و حتي ممكن است با سوگيري و عقايد شخصي همراه باشد (كين تاج⁶، 1988). در واقع بايد گفت اين تفسير خوانندگان از متن است كه ميانه عناصر مختلف بافت ارتباط برقرار کرده و آنچه را كه ذهن بايد درباره متن دريابد را سازمان داده و دريافت آن را تسهيل مي‌كند و اين نکته اذعاني بر اهميت شناخت در تفسير يك موقعيت است كه بحث تفكر را مطرح مي‌سازد.

پيشينه تفكر انتقادي به فلاسفه متقدمي همچون سقراط، افلاطون، ارسطو، آگوستين⁷، توماس آكويناس⁸ و بعد از آن به دكارت، كانت،

مي‌شود و ماهيتي غيركلامي دارد. مالينوسكي¹ اولين كسي بود كه اصطلاح بافت موقعيت را مطرح ساخت او معتقد بود: «معنی هر گفتار تنها در بافت موقعيت آن مشخص مي‌شود.» (رستميان، 1390). مدل موقعيتي مدلی است كه رویدادهای متن را تنها بر اساس تعدادشان در پنج زمينه زمان، فضا، علیت، قهرمان و اهداف مورد بررسی قرار مي‌دهد (زاوان و رادوسكي²، 1998)؛ اما بايد بر اين نکته نيز تأكيد كرد كه بافت تنها يك بازنمایی ذهني ايستا نیست، بلكه ساختاری پوياست. در واقع با وقوع هر رویدادی در ذهن شركت‌كنندگان بافت ساخته و بازساخته مي‌شود و با هر تغييری در موقعيت تفسير نيز تغيير مي‌كند. در اين شرايط است كه مي‌توان گفت گفتمان خود را به‌عنوان يكي از عناصر بافت تغيير مي‌دهد. بافت فرهنگي سومين بافتی است كه در يك گفتمان حضور دارد و شامل آداب و رسوم و فرهنگ و تاريخی است كه مجموعه متن و مخاطبان آن را در بر دارد.

يكي از مسائلي كه پژوهش حاضر سعی در بررسی آن دارد نقشی است كه بافت موقعيت در ساخت معنی دارد. برای بررسی بافت موقعيت، بايد ابتدا به اجزاء عناصری پرداخت كه بافت يا عناصر صحنه را تشكيل مي‌دهند. عناصری مانند سطوح صحنه، عناصر دیداری، بازیگران، تم و هر آنچه در صحنه حضور دارد و برای تجزيه و تحليل نشانه شناختی آن، ويژگي‌هایی چون ژست، حالت چهره، وضعیت بدن بازیگران هنگام تعامل و گفتگو مورد بررسی قرار مي‌گيرد. در واقع اين عناصر بخشی از نظام نشانه‌ای هستند كه با توجه به اهداف خاصی

3. Koller
4. Relativity of context
5. Gradinaru
6. Kintsch
7. Augustine
8. Thomas Aquinas

1. Malinowski
2. Zwaan & Radvarsky

مارکس، کی یر کگارد¹ و جیمز بر می‌گردد (یانسر، جکسون، هانسن و هانسن²، 2012). کوپر و پیتون³ پیتون³ (2010) با اشاره به این نکته که اگرچه خود واژه انتقادی به معنای عیب‌جویی⁴، خرده گرفتن و پیدا کردنم اشتباهات است، از واژه یونانی *Kritice* و واژه لاتین *Criticall* گرفته شده است که خود به معنای تمیز و تشخیص دادن و جدا ساختن سره از نا سره است که مبنای آن تحلیل و قضاوت دقیق درباره پدیده‌ها است؛ اما ماهیت تفکر انتقادی چیست؟ علی‌رغم اجماع متخصصین و دانشمندان درباره اهمیت توجه به تفکر انتقادی و پرورش آن، درباره تعریف و ماهیت تفکر انتقادی، آراء متنوعی ارائه شده است. جان دیویی⁵ تفکر را تأیید یا تولید واقعیت‌های جدید بر اساس واقعیت‌های موجود و شکل‌دهی باورهای آینده بر اساس باورهای گذشته و حال می‌داند (شعبانی، 1382). هالپرن⁶ معتقد است این نوع تفکر، تفکری منطقی، منظم و هدفدار است که شامل حل مسئله، فرمول‌بندی نتایج، محاسبه احتمال‌ها و تصمیم‌گیری است (به نقل از پاپاستفانلو، 2004).

تفکر انتقادی نیز وجهی از تفکر است که به فرد اجازه می‌دهد در خصوص شواهد و اطلاعات دریافتی به شیوه‌ای منطقی و ارزشیابانه بیندیشد. در تعریف، تفکر انتقادی را قضاوت هدفمند و خود نظم دهنده‌ای می‌داند که به تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استنباط و تبیین ملاحظات موقعیتی، روش‌شناختی،

ملاکی و مفهومی مبتنی است (بنینگ⁷، 2006). بنزلی⁸ (1988) نیز معتقد است تفکر انتقادی را باید اندیشه‌ای عمیق دانست که به واسطه آن فرد بر اساس آنچه به آن باور دارد انتخاب می‌کند. در حالت کلی به هفت عامل در ساختار تفکر انتقادی اشاره شده است که هسته اصلی آن را تشکیل می‌دهد که عبارت‌اند از مهارت‌های تفسیر، تجزیه و تحلیل، ارزیابی، استنباط، تبیین و خودتنظیمی دانست، اما عناصری که در حالت ایده‌آل در تفکر انتقادی دیده می‌شود شامل کنجکاوی، انضباط، قوه قضاوت سلیم، ذهن تحلیلی، حقیقت‌جویی، روشنگری و اعتماد به نفس در استدلال است (فاشیونه، سانچز، فشیونه و جنین⁹، 1995). با توجه به برداشت‌های گوناگونی که از تفکر انتقادی وجود دارد. نکته جالب توجه اینکه همه این تعاریف، عناصری به نسبت مشترک برای تفکر انتقادی در نظر گرفته شده که در این میان، بیش از همه عناصری مانند شناخت دقیق مسائل، تجزیه و تحلیل بهتر، قضاوت و تصمیم‌گیری اصولی و منطقی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در واقع این خصوصیات تفکر انتقادی است که به واسطه آن فرد می‌تواند اطلاعات و ویژگی‌هایی که از متن یا زمینه کسب کرده را مورد نقادی قرار داده و برای پذیرفتن، رد یا به تعویق انداختن داوری در خصوص آن تصمیم‌گیری کند. اگرچه اغلب تفکر انتقادی را به‌عنوان مجموعه مهارت‌های شناختی سطح بالا در نظر می‌گرفتند، اما برخی نیز تفاوت‌های فردی در مهارت‌های تفکر انتقادی را

1. Kierkegaard
2. Yanchar, Jackson, Hansen & Hansen
3. Kooper & Patton
4. Censorious
5. John Dewey
6. Halpern

7. Banning

8. Bensley

9. Facione, Sonchez, Facione & Gainen

مک کی¹⁴ و کاستا¹⁵ (1997) معتقدند شخصیت در تعریف به عواملی مانند خواسته‌ها، راهبردهای بین فردی اشاره دارد که رفتار فرد را توضیح می‌دهد و الگویی منحصر به فرد و ثابت از رفتار، افکار و هیجانات که توسط فرد بروز داده می‌شود را شامل می‌شود. در واقع شخصیت را باید عاملی دانست که می‌تواند تا حدودی به‌عنوان زیربنای شخصیتی و منش فرد در جهت‌دهی نقش داشته باشد، حال این نقش می‌تواند توجه به عناصر خاصی در بافت جهت دریافت معنی از آن باشد یا فعال‌سازی روندی که به نقد و تفسیر اطلاعات می‌پردازد. در واقع شخصیت عاملی است که می‌تواند هم در توجه به عناصر خاص در بافت و هم اینکه کدامیک و چگونه تفسیر شوند نقش داشته باشد.

یکی از راه‌های شناخت شخصیت اصطلاحاتی است که به‌عنوان صفات در توصیف شخصیت به کار می‌رود. تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته، نشان می‌دهد پنج بعد عمده در شخصیت وجود دارد که در برگیرنده هر الگویی در تنظیم تفاوت‌های فردی است. مک کی و کاستا (1999) معتقدند ویژگی‌هایی که در این پرسشنامه سنجیده می‌شود گرایش‌ها ژنتیکی دارد. آن‌ها در این پرسشنامه اساساً این پنج عامل را به‌عنوان تمایلاتی مبنایی که زمینه زیستی دارد، معرفی کرده‌اند؛ یعنی تفاوت‌های رفتاری مربوط به پنج عامل به ژن‌ها، ساختار مغز و مانند آن بر می‌گردد (پروین ترجمه جوادی و کدیور، 1386). نثو به سلسله مراتبی از صفات شخصیتی در پنج بعد روان رنجور خوئی، برون‌گرایی، خوشایندی، کشودگی به تجربه و

ناشی از ترکیب ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های شناختی می‌دانستند (هالپرن، 1998). فاکون یکی از نظریه پردازانی است که به دو عاملی بودن تفکر انتقادی معتقد است و تفکر انتقادی را دارای دو بعد شناختی و عاطفی می‌داند. مهارت‌های شناختی برای حل مسئله، بررسی گزینه‌ها و تصمیم‌گیری استفاده می‌شود که شامل چند مهارت استنباط¹، تحلیل²، ارزیابی³، استقراء⁴ و قیاس⁵ است. عامل دوم یا منش منش انتقادی شامل حقیقت‌جویی⁶، ذهن باز⁷، تحلیلی بودن⁸، کنجکاوی⁹، منظم و سیستماتیک بودن¹⁰، اعتماد به قضاوت خود¹¹ و پختگی در قضاوت¹² است (دام و ولمن¹³، 2004). در این رابطه حتی برخی نظریه پردازان معتقدند تفاوت‌های فردی و صفات شخصیتی خاص به تفاوت در مهارت‌های تفکر انتقادی منجر می‌شود (فاشیونه به نقل از نصرت نیا و سراپجیان، 2013). چنانچه در تحقیق غفاری و همکاران (2012) نشان داده شد که فاکتورهای شخصیتی مهارت‌های تفکر انتقادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در تحقیقی دیگر میان تفکر انتقادی و دو ویژگی شخصیتی درون‌گرایی و برون‌گرایی رابطه مشاهده گردید (فونگ و همکاران، 2012).

1. Inferring
2. Analyzing Skills
3. Evaluating
4. Inducting
5. Deducing
6. Truth seeking
7. Open mindness
8. Analyticity
9. Inquisitiveness
10. Systematicity
11. Self-confidence
12. Maturity
13. Dam & Volman

14. McCrae

15. Casta

افزایش دانش بشری درباره ادراک انسان ایفا می‌کند که خود راهگشای توجه به نقشی است که ادراک در زندگی انسان دارد. نقشی که جلوه‌های آن در تصمیم‌گیری به وسعت یک انتخاب روزمره تا قضاوت شاهدان در موارد قانونی خواهد بود. با همه این تفاسیر پژوهش حاضر در نظر دارد نقش شناخت در قالب نوع تفکر حاکم بر ادراک را در برابر تأثیر بافت موقعیت در گفتمانی که فاقد ارجاعات زبانی است مورد بررسی قرار دهد. پژوهش حاضر بر آن است تا علاوه بر نقش شناخت و بافت در معنا دهی به گفتمان به بررسی تأثیر شخصیت افراد در ادراک یک موقعیت بپردازد و به این امر پاسخ دهد که در ادراک یک بافت که به علت فقدان ارجاعات زبانی مبهم ارائه می‌شود کدامیک از عوامل تأثیر بیشتری در درک افراد از موقعیت دارد و کدامیک از عناصر چه بخش از ادراک را شکل می‌دهد.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف یک پژوهش بنیادی و از لحاظ روش جمع‌آوری اطلاعات، یک پژوهش آزمایشی با طرح پس‌آزمون چند گروهی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل در سال 1393_94 دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب بودند که به‌طور تصادفی 64 نفر از دانشجویان انتخاب شده و همگی به دو پرسشنامه مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا (فرم ب) و پرسشنامه شخصیتی نئو پاسخ دادند. سپس افرادی که تمایل به شرکت در بخش دوم پژوهش را نداشتند از تحقیق کنار گذاشته شدند و افراد دیگری جایگزین آنها

مسئولیت‌پذیری اشاره دارد. صفت روان رنجور خوبی با ویژگی‌هایی چون عدم ثبات هیجانی، آشفتگی، احساس گناه، بدبینی و عزت‌نفس پایین مشخص می‌گردد. این افراد از خود نگرش منفی نشان می‌دهند و به دفاعی شدن تمایل دارند. صفت برونگرایی با اجتماعی بودن، ابراز وجود و کارگروهی مشخص می‌شود. برونگرایی را می‌توان سازمانی از هیجانانگ مثبت دانست که به واسطه آن افراد تمایل دارند مسائل را به‌گونه‌ای مثبت ارزیابی کنند (بیکر¹، ون دیو زی، لیونگ و دالارد، 2002). صفت گشودگی با تخیل فعال، تنوع‌طلبی، استقلال در قضاوت و گشودگی ذهن شناخته می‌شوند. این افراد هم درباره جهان درونی و هم درباره دنیای بیرونی کنجکاو هستند و زندگی آن‌ها از لحاظ تجربی غنی است. آن‌ها تنوع‌طلب، دارای کنجکاوی ذهنی و استقلال در قضاوت هستند. صفت خوشایندی با ویژگی‌هایی چون همدردی، نوع‌دوستی و احترام به آراء دیگران در ارتباط است و مسئولیت‌پذیری با ویژگی‌هایی چون هدفمندی، اراده، وظیفه‌شناسی و صداقت شناخته می‌شود. وظیفه‌شناسی شامل مهارت‌های تحت کنترل دستورات و آداب اجتماعی است که سبب سهولت رفتارهای معطوف به هدف و وظایف فردی می‌گردد.

در پایان و با توجه به آنچه تاکنون گفته شد این سؤال پیش می‌آید که ضرورت دانستن درباره نقشی که بافت موقعیت، تفکر و شخصیت در ادراک یک بافت دارند چیست؟ بی‌شک شاید اولین نکته‌ای که قابل توجه است نقشی است که این دانسته‌ها در

1. Bakker, Van Dev Zee, Lewig & Dollard

پرسشنامه شخصیتی نئو فرم کوتاه (60)

سؤالی): این پرسشنامه به صورت خودسنجی است و شخصیت را در پنج خصیصه اصلی روان رنجور خویی، برونگرایی، خوشایندی، گشودگی به تجربه و مسئولیت پذیری می سنجد. مهم ترین نکته ای که می توان در خصوص این پرسشنامه ذکر کرد همسانی درونی خوب زیر مقیاس های آن است. این پرسشنامه در ایران توسط گروسی (1380) هنجاریابی شده است. اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون - آزمون مجدد به ترتیب 0/83 (روان آزدگی)، 0/75 (برونگرایی)، 0/80 (گشودگی به تجربه)، 0/79 (توافق)، 0/79 (باوجدان بودن) به دست آمده است.

فیلم: فیلم نمایش داده شده بر اساس نمایشنامه من اورلاپی هستم نوشته هربرت روزن دورز است. این فیلم با متن و بازیگران یکسان در چهار صحنه مختلف فیلم برداری شده و هر یک از گروه ها به طور جداگانه تنها یکی از این چهار فیلم را تماشا کرده و به سؤالاتی در خصوص فیلم پاسخ دادند. سؤالات بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی و نظر متخصصان طراحی شده و به افراد حاضر در گفتمان، ارتباط آن ها، فضایی که آن ها را در بر گرفته و موضوعی که در جریان است می پردازد.²

یافته ها

جهت بررسی رابطه بین عنصر بافت و ویژگی های شخصیت آزمون رگرسیون انجام شد که نتایج آن معنی دار نبوده یا به عبارتی ویژگی های شخصیت

گشتند پس از این آزمودنی ها به صورت تصادفی در چهار گروه آزمایشی قرار گرفتند و فیلمی را به مدت 5 دقیقه نگاه کرده و درباره آن به سؤالاتی پاسخ دادند. ابزاری که در پژوهش حاضر به کار رفته اند عبارت اند از:

پرسشنامه مهارت های تفکر انتقادی کالیفرنیا

(فرم ب): برای اندازه گیری تفکر انتقادی دانشجویان از آزمون مهارت های تفکر انتقادی کالیفرنیا¹ استفاده شده است. این آزمون توسط فاکون و فاکون (1997) ساخته شده است. این ابزار شامل دو فرم الف و ب است که برای ارزیابی تفکر انتقادی و خرده مهارت های مختلف به کار می رود. این پرسشنامه شامل پنج زیر مقیاس است و ابزار مناسبی برای ارزشیابی توانایی تفکر منطقی است. فرم ب تفکر انتقادی که در پژوهش حاضر به کار رفته است دارای 34 سؤال است. فاکون و فاکون (1997) پایایی خارجی این آزمون با استفاده از فرمول کودر ریچاردسن - 20 بین 0/78 تا 0/80 گزارش شده است. خلیلی (1378) روایی و پایایی آزمون را با روش کودر ریچاردسون 20، 0/62 گزارش کرده است. نتیجه تحلیل عاملی در تعیین روایی سازه حاکی از آن بود که همه پنج عامل با نمره کل آزمون همبستگی مثبت و بالایی داشتند (آزمون یار پویا، 1389). نتایج پژوهش ها نشان داده است که این آزمون با معدل نمرات دانشجویان، نمرات استعداد ریاضی و دروس شفاهی آن ها و نمرات آزمون خواندن نلسون - دنی همبستگی مثبت معناداری دارد.

2. بررسی نقش بافت موقعیت در شکل گیری معنا در نمایشنامه من اورلاپی هستم، سجودی و زمانی، مجله زبان پژوهی در انتظار چاپ.

1. California critical thinking skills test-CCTST

دوفصلنامه علمی - پژوهشی شناخت اجتماعی، سال چهارم، شماره 2، (پیاپی 8)، پاییز و زمستان 1394

رگرسیون از آزمون دوربین - واتسون استفاده شد و مقدار آن 1/235 به دست آمد که بیانگر آن است که در تحقیق حاضر می‌توان از آزمون رگرسیون استفاده کرد. نتایج به دست آمده به شرح زیر است.

نتوانست ادراک افراد از بافت موقعیت را پیش‌بینی کند.

بررسی رابطه بین عناصر بافت موقعیت و تحلیل، ارزیابی، استنتاج، استقرا، قیاس از تحلیل رگرسیون لوجستیک استفاده شد. جهت بررسی پیش‌فرض

جدول 1. تحلیل رگرسیون لوجستیک میان عنصر بافت مکان و تفکر انتقادی

Sig.	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
		Beta	Std. Error	B	
0/001	3/535		1/337	4/725	کلی
0/096	1/691	0/589	0/517	0/874	تفکر قیاسی
0/023	2/343	0/969	0/594	1/391	تفکر استقرائی
0/049	-2/014	-0/711	0/613	-1/235	تفکر استنتاجی
0/035	-2/156	-0/791	0/547	-1/179	ارزیابی
0/383	-0/880	-0/163	0/389	-0/342	تحلیلی

کننده مکان خواهند بود. علاوه بر این، تفکر انتقادی به‌طورکلی با ادراک افراد از مکان ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد.

با توجه به جدول 2، مقادیر ضریب رگرسیون (B) و معنادار شدن t برای آزمون ضریب رگرسیون، نوع تفکر استقرائی به‌طور مثبت و استنتاج و ارزیابی به‌طور منفی، پیش‌بینی

جدول 2. تحلیل رگرسیون لوجستیک میان ادراک و تفکر انتقادی

Sig.	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
		Beta	Std. Error	B	
0/0001	6/466		0/236	1/526	کلی
0/483	-0/706	-0/248	0/091	-0/064	تفکر قیاسی
0/119	-1/583	-0/661	0/105	-0/166	تفکر استقرائی
0/620	0/499	0/178	0/108	0/054	تفکر استنتاجی
0/155	1/442	0/634	0/097	0/139	ارزیابی
0/588	0/545	0/106	0/069	0/037	تحلیلی

مهدیه رحمانیان و همکاران: تأثیر تفکر انتقادی و بافت موقعیتی در ادراک گفتمان با نقش تعدیل کنندگی خصوصیات شخصیت

موقعیت آزمون آماری تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج نشان داد که بین ادراک، شخصیت، مکان، رابطه و موقعیت هیچ رابطه معنادار آماری وجود ندارد. فقط بین مکان و گروه‌ها رابطه معناداری وجود دارد که نتایج در جدول زیر نشان داده شده است.

همچنین با توجه به جدول بالا، مقادیر ضریب رگرسیون (B) و معنادار نشدن t برای آزمون ضریب رگرسیون، متغیرهای تحلیل، ارزیابی، استنتاج، استقرا، قیاس به‌طورکلی پیش‌بینی کننده ادراک خواهند بود. جهت مقایسه میانگین گروه‌ها با عناصر بافت

جدول 3. ویژگی‌های توصیفی مکان و گروه‌ها

انحراف استاندارد	میانگین	
1.55	1.81	گروه 1
2.75	5	گروه 2
2.39	7.12	گروه 3
2.44	5	گروه 4
2.97	4.73	کل

جدول 4. تفاوت میانگین بین مکان و گروه‌ها

معناداری	F	درجه آزادی	مجموع میانگین‌ها	
0.00	14.12	3	230.297	بین گروه‌ها
		60	326.188	درون گروه‌ها

نتیجه‌گیری و بحث

که خواسته یا ناخواسته نقشی در ادراک ما از جهان دارد؛ اما در ادراک انسان از آنچه در جهان خارج وجود دارد چه عناصری دخیل هستند؟ جهانی که پیش روی اوست یا شناخت او از آنچه ادراک می‌کند و یا شاید هر دو، این سؤالی است که پژوهش حاضر سعی داشت با مدنظر قرار دادن سه

بافت چیزی نیست جز چیدمان عناصر در فضا، در واقع آنچه از آن تحت عنوان بافت نام برده می‌شود عناصری هستند که با فاصله از یکدیگر قرار گرفته و کلیتی را به وجود آورده‌اند که بنا به نظر روانشناسی گشتالت چیزی فراتر از تک‌تک اجزاء تشکیل دهنده آن است. بافت حقیقتی است

جنبه‌ای که می‌تواند در ادراک یک بافت مؤثر واقع شود به بررسی آن بپردازد.

سه عاملی که در این پژوهش در ادراک بافت مورد بررسی قرار گرفتند ویژگی‌های شخصیتی شرکت‌کنندگان، توانایی آن‌ها در تفکر شناختی و ارائه بافت‌های متفاوتی برای یک دیالوگ که ارتباط به آن ندارد.

در ابتدا به بررسی ارتباط میان خصیصه‌های شخصیتی و تفکر انتقادی پرداخته شده تا روشن سازد که آیا صفت شخصیتی خاصی با نوع خاصی از تفکر در ارتباط است یا خیر؟ چنانچه در بخش یافته‌های پژوهش گفته شد در این پژوهش هیچ رابطه‌ای میان خصیصه‌های شخصیتی و تفکر انتقادی یافت نشد که همسو با نتایجی است که توسط رابرسون (2001) به دست آمده حال آنکه در تحقیقی که توسط گیلفورد، بوفال و کورتز (2004) در این زمینه صورت گرفت نشان داد که گشودگی به تجربه رابطه معناداری با تفکر انتقادی دارد. کلی و کوایرن¹ (2010) در مطالعه‌ای که بر روی دانشجویان چینی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که عوامل مربوط به شخصیت بیش از عوامل شناختی، تفکر انتقادی را تبیین می‌کند.

اما در بخشی دیگر از پژوهش که می‌توان آن را هدف اصلی این تحقیق دانست، نقشی است که شناخت و بافت موقعیت به عنوان عناصر تعیین کننده در

ادراک یک بافت اعمال می‌کنند. رابرت انیس² (1991) تفکر انتقادی را تلویحاً به معنای توانایی داوری درباره میزان اعتبار و صحت منابع، مشخص ساختن نتایج، دلایل و فرضیه‌ها و ارزش گذاری کفایت و صحت یک مقوله، ارائه و دفاع از یک دیدگاه، پرسش سؤالات روشنگر، جستجوی دلایل و استنتاج از گزاره‌ها و حصول نتایج معتبر است. لیمپمن³ (1995) نیز تأکید دارد که تفکر انتقادی مستلزم کاربرد معیارها و شاخص‌های خاص برای ارزشیابی، خود تصحیحی⁴ و حساسیت در خصوص زمینه و بافت⁵ است. در پژوهش حاضر نیز آنچه مسلم است تفکر به‌طور کلی در ادراک افراد از موقعیت نقش داشته است؛ زیرا که تفکر به‌عنوان فرایند عالی ذهن زیربنای ادراک آن چیزی است که از طریق حواس شکل می‌گیرد. چنانچه تأثیر کلی تفکر بر عملکرد افراد شرکت‌کننده در این پژوهش بر ادراک آن‌ها از مکان فیلم تأثیر داشته است؛ اما آنچه در این بخش از نتایج جالب توجه است رابطه انواع دیگری از تفکر به‌عنوان زیر مقیاس‌های تفکر انتقادی با ادراک افراد از مکان فیلم است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تفکر استقرائی با ادراک مکان رابطه مثبت و تفکر استنتاجی و ارزیابی با آن رابطه‌ای منفی دارد. در واقع اگر تفکر استقرائی فرایند استدلال بر اساس واقعیات

2. Robert Ennis
3. Limpman
4. Self-correction
5. Sensitivity to context

1. Kelly & Ku Irene

گزينه‌ها حداكثر امتياز و حداقل ضرر را خواهد داشت (خرآزي و حجازي، 1387). در واقع مي‌توان گفت در اين پژوهش نيز افراد سعي كرده‌اند با تكيه بر نشانه‌هايي كه بافت در اختيار آن‌ها قرار مي‌دهد با نادیده گرفتن ديگر توانايي يا در تفسير موقعيت تنها با استفاده از شواهد دست به تفسير استقرآيي از آنچه دیده بودند بزنند و به‌طوركلي فرايندهاي بالاتر شناختي را درگير تفسير نكنند. اگر اين فرض درست باشد مي‌توان گفت بافت موقعيت عامل تعيين كننده‌اي كه با ظرافت در اين ميان نقش ايفا مي‌كند. در واقع بافت موقعيت در غياب زبان ارجاع كننده عناصري را در اختيار تفكر قرار مي‌دهد كه تفكر را بر آن مي‌دارد تا به اين نتيجه برسد كه شواهد كافي براي نتيجه‌گيري را در اختيار دارد و بر اساس اصل كمترين رضامندي فرد نزديك‌ترين تفسير قابل قبول را به‌عنوان بهترين تفسير از موقعيت مي‌پذيرد. در واقع شايد بتوان گفت بافت موقعيت به‌نوعي با گمراه كردن شناخت با عناصري كه به‌صورت واحدهاي اطلاعاتي در خدمت شناخت قرار مي‌دهد فرايندهاي بالاتر ذهن را از كار انداخته و در ادراك افراد از بافت اعمال نفوذ مي‌كند. نکته‌اي كه بي‌شك اطمينان از آن پژوهش‌هاي بيشتري را طلب مي‌كند.

يا مشاهدات براي رسيدن به نتيجه محتملي كه ممكن است واقعيت‌ها را توضيح دهد دانسته شود (خرآزي و حجازي، 1387) در واقع عناصر بافت به‌عنوان نشانه‌هايي از واقعيت در اختيار اين نوع تفكر قرار گرفته تا فرد بر اساس آن دست به تفسير بزند كه اين خود مي‌تواند روشنگر رابطه‌اي باشد كه ميان آن‌ها وجود دارد. از سوي ديگر اگر استنتاج نتيجه‌گيري بر اساس اطلاعات گرفته شده از تجربه حسي و هم اطلاعات مبتني بر آنچه مي‌دانند يا قبلاً استنتاج كرده‌اند تعريف شود (خرآزي و حجازي، 1387) و ارزيابي را واجد ارزيابي گزاره‌هاي و توجيه رويه‌ها و استدلال آن‌ها دانست (فشيونه، 1995)، همبستگي منفي ميان آن‌ها و ادراك از بافت مي‌تواند بيانگر اين حقيقت باشد كه انسان‌ها در تفكر از نوعي عقلانيت محدود¹ پيروي مي‌كنند. در واقع شايد بتوان گفت انسان‌ها به‌طوركلي از راهبردي براي تصميم‌گيري استفاده مي‌كنند كه از آن تحت عنوان ارضاء محدود يا كمترين رضامندي² نام برده مي‌شود. افراد در ارضاء محدود گزينه‌ها را يكي‌يكي مورد توجه قرار مي‌دهد و سپس به‌محض گزينه‌اي را در حداقل سطح مقبول رضاييت‌بخش مي‌داند آن را انتخاب مي‌كند و تمام گزينه‌هاي ممكن را در نظر نمي‌گيرد تا با دقت محاسبه كند كه کداميك مجموع

1. Bounded reationality

2. Satisficing

منابع

- آزمون یار پویا (1389) آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا. تهران.
- استرنبرگ، ر (1387). روان‌شناسی شناختی. ترجمه کمال خرازی و الهه حجازی. تهران: سمت.
- بلور، م. و بلور، ت (1389). مقدمه‌ای بر روند تحلیلی گفتمان انتقادی. ترجمه علی رحیمی و امیرحسین شاه بالا. تهران: جنگل.
- پروین، ج (1386). شخصیت نظریه و پژوهش. ویرایش هفتم. ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: آبیژ.
- رستمیان، م. و طباطبائی، س.ک (1390). «بررسی تطبیقی بافت موقعیت (برون زبانی) از دیدگاه فرث، هایمز و لوئیس با سیاق حالیه». دو فصلنامه theory (Abstract)". *Assessment*, 11(2): 169-76.
- Cooper, S. and Patton, R. (2010). *Writing logically, thinking critically*, 1 the dition, New York: Longman.
- Dam, G.T. and Volman, M. (2004). "Critical thinking as a citizenship competence: teaching strategies". *Learning and instruction*, 14, 59-79.
- Eniss, R.H. (1991). "Critical thinking assessment". *Journal of theory in to practice*, London: Oxford.
- Evans, V. (2007). *A glossary of cognitive linguistics*. Edinburgh University Press Ltd.
- Facione, P.A.; Sonchez, C.A.; Facione, N.C. and Gainen, J. (1995). "The disposition toward critical thinking". *The تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال دوم، شماره 4، 36 - 29.*
- ساغروانیان، ج (1369). فرهنگ اصطلاحات زبانشناسی. چاپ اول. مشهد: نشر نما.
- ساسانی، ف (1389). «تأثیر بافت برون متنی بر معنای متن». دو فصلنامه علمی پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء. سال دوم، شماره 3، 124 - 109.
- شعبانی، ح (1382). روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر). تهران: سمت.
- گروسی فرشی، م.ت (1380). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت. تبریز: نشر جامعه پژوه.
- Bakker, A.B.; Van Dev Zee, K.L.; Lewig, K.A. and Dollard, M.F. (2002). "The realationship between the big five personality factor and burnout: A study among volunteer connselar". *The Journal of Social Psychology*, 135(5).
- Banning, M. (2006). "Measures that can be used to instill critical thinking in nurse prescribers". *Higher Education Resarch and Development*, 25: 179-193.
- Bensley, D.A. (1998). A brief guide for teaching and assessing critical thinking in psychology. Retrieved from: WWW. psychological science.org.
- Clifford, J.S.; Boufal, M.M.; Kurtz, J.E. (2004). "Personality traits and critical thinking skills in college students: empirical tests of a two-factor

Journal of General Education, 44 (1), 1-25.

- Foong, L.M; Shariffudin, S.R.; Mislán, N. (2012). "Pattern and relationship between multiple intelligences, personality traits and critical thinking skills among high achievers in Malaysia". *3rd International Conference on e-Education, e-Business, e-Management and e-Learning*. IACSIT Press, Singapore.

- Ghafari, M.; Shahraki, K.; Rajaby, M.; Safanor, M.; Taslimi Baboli, A. (2012). "Impact of personality traits on critical thinking skills". *Journal of Basic and Applied Studying Scientific Research*, 2(7): 6973-6978.

- Gradinaru, L.A. (2013). "Communication, knowledge and discourse. Remarks on Teun Von Dijk's socio cognitive interpretation of context". *Journal of the Seminar of Discursive Logic Argumentation Theory and Rhetoric*, 119-125.

- Halpern, D.F. (1998). "Teaching critical thinking for transfer across domains: Disposition, skill, structure training, and metacognitive monitoring". *American psychologist*, 35(4), 49-55.

- Kelly, Y.L. and Ku Irene, T.H. (2010). "Dispositional factors predicting Chinese student's critical thinking performance". *Personality and individual differences*, 48(1), 54-68.

- Kintsch, W. (1988). "The role of knowledge in discourse comprehension: A construction-interration model". *Psychological Review*, 95, 163-182.

- Koller, V. (2012). "How to analyse collective identity in discourse-textual and contextual parameters". *Journal of Critical approaches to discourse*

analysis across disciplines. Vol. 5(2): 19-38.

- Lampman, N. (1995). *Good thinking inquiry: Critical thinking across disciplines* London: Oxford.

- McCrae, R.R. and Csata, P.T. (1997). "Personality traits structure as human universal". *American Psychologist*, 52, 509-516.

- Nosratinia, M. and Sarabchian, E. (2013). "The role of personality traits in predicting EFL learner's critical thinking skills: Astudr on psychological characteristics of EFL learners". *Journal of Humanities and Social Science*. Vol, 73(6), 89-93.

- Papastephonlou, M. (2004). "Educational critique, critical thinking and the critical philosophical traditions". *Journal of philosophy of education*, No (38), pp370-377.

- Robertson, E.M. (2001). "The relationship between critical thinking, personality type, and performance on the objective structured clinical examination of senior medical students at meharry medical college". *ETD Collection for Tennessee State University*. Paper AAI3007569.

- Yanchar, S.; Jackson, A.; Hansen, K. and Hansen, J. (2012). "Critical thinking in applied psychology: toward an edifying view of critical thinking in applied psychology". *Issues in pelighion and psychotherapy*, Vol. 34. Pp. 69-80.

- Zwaan, R.A. and Radvasky, G.A. (1998). "Situation models in language comprehension and memory". *Psychological bulleting*, 123, 192-185.